



میثم سعادت

روزنامه‌نگار

چند روز پیش به صورت خیلی اتفاقی متوجه شدم، برای یکی از دوستان دوران دبیرستانم حادثه ناگواری رخ داده و نیاز به کمک دارد. در گروه‌های مجازی تلگرام و واتس‌آپ گشتم تا شماره چند نفر از رفقای قدیمی را پیدا کنم تا به این رفیق قدیمی کمک کنم. یکی از بچه‌ها به کل مرا فراموش کرده بود. هر چه آدرس دادم که فلانی که کله‌اش بوی قورمه‌سبزی می‌داد، گویا حافظه این رفیق قفل کرده بود که ناچار تیر آخر را زد. «عزیز منم، میثم، میثم الولیه».

ماجرای الولیه برمی‌گردد به سال ۷۸ که ما و عده ناهار در مدرسه بودیم و مدرسه، یک دستگاه بزرگ گرم‌کن برای غذاها تعبیه کرده بود که دسته‌جمعی غذاها را داخل آن می‌گذاشتیم. یک روز مادرم برای الولیه آماده کرده بود و من فراموش کرده بودم و این الولیه پخته شد. از آن روز، اسم من شد میثم الولیه و این خاطره بعد از ۲۴ سال هنوز تنها تصویری از من بود که در ذهن بعضی دوستانم نقش بسته است.

اکثر آدم‌ها برای شان مهم است چه تصویری از خودشان در ذهن دیگران ایجاد کرده‌اند. عموم مردم تلاش می‌کنند تصویر مثبتی از خود در ذهن دیگران باقی بگذارند. حتی راننده سرویس دوران دانشگاه ما هم تلاش داشت تصویر خوبی از خودش به جا بگذارد و مدام به ما یادآوری می‌کرد که اگر به سرویس نمی‌رسید، مقصر من نیستم و سایر دانشجویان اصرار دارند که سرویس زودتر حرکت کند. من خودم وقتی می‌خواهم چیزی بخرم و چانه می‌زنم، عموماً به فرورسند یادآوری می‌کنم که من شخصاً آدم لاج و دست‌ودلبازی هستم و قصد داشتم به‌جز قیمت کالا انعام هم بدهم اما اگر تخفیف ندهی، کرایه ماشین برگشت به منزل را هم ندارم. یک دوست دزدی هم بود که از او شکایت کرده بودیم. در جلسات دادگاه اصرار داشت که کلاه بچه را بگذارد سرش که سرما نخورد. حتی جناب درد هم قصد داشت تصویر خوبی از خودش به‌جا بگذارد. استثنای این قضیه، نمایندگان محترم مجلس هستند. اینها گویا هیچ علاقه‌ای ندارند که تصویر خاصی از خود باقی بگذارند. اگر تصویری از نماینده‌ای در ذهن شما باقی مانده، مثل همان الولیه، تصویر درخشانی نیست. مثلاً نماینده استان خراسان که اسمش یادم رفته را همه با سیلی‌زدن به صورت سرباز بدبخت به‌یاد می‌آورند. آن یکی، به‌خاطر مخالفت با واردات خودروی خارجی در ذهن‌ها ماندگار شده. ۲۵۰ نفرشان هم اصلاً ماندگار نشدند. یعنی در این مملکت شش‌ماه اعتراض شد. افرادی جان خود را از دست دادند، قیمت کالاها شش‌برابر شد، نرخ تورمی که در زمان مدیریت مجلس فعلی ایجاد شده از همه مجالس قبلی تاریخ انقلاب بیشتر است، زلزله شده، جنگ در خاورمیانه و اروپا شده، تنش مرزی داشتیم، تنش مذهبی ایجاد شده، کم‌آبی، کم‌برقی، کم‌گازی و کم‌اینترنتی داشتیم، چند تا اختلاس دیش داشتیم که در بعضی کشورهای دیگر زمینه سقوط دولت را فراهم می‌کرده، کرونا آمده و مهار شده، اما یک کلمه از دهان مبارک نمایندگان مجلس - بسیاری نمایندگان مجلس البته - واژه‌ای بیرون نیامده. من فکر می‌کنم اظهار نظر نمایندگان عراق، ژاپن، کانادا و نروژ از نمایندگان داخلی، بیشتر در ذهن مردم بماند. یعنی الان خیلی از مردم می‌دانند که یک نماینده مجلس کانادا، نامه زده که فرزند رئیس مجلس ایران برود در یک دانشگاهی درس بخواند ولی نمی‌داند خود نماینده‌ها در این باره چه نظری دارند یا در باره هزار موضوع دیگر چه نظری دارند. خوشبختانه این نماینده‌های محترم مجلس طوری رفتار کرده‌اند که دوره بعدی هم نماینده خواهند شد. اما زبانم لال، اگر عمرشان به دنیا نباشد، نباید یادگاری جوادان بر تراز بی‌بقای خاک بنشانند؟ اصلاً اگر یک روزی، بچه‌ای، نوه‌ای، یک آدمی خواست زندگی نامه این علما و بزرگان را منتشر کند، کدام نقطه اوج فعالیت سیاسی اینها بوده؟ «نامبرده در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. نماینده شد که از این سال‌های زندگی او اطلاعات زیادی در دست نیست. گویا بعضی روزها می‌رفته مجلس، بعضی روزها هم نمی‌رفته و حتی یک‌بار هم الولیه را داخل گرم‌کن گذاشته یا هیچ‌کار دیگری هم نکرده. اصلاً حرف هم نزده. استیضاح هم نکرده. اصلاً هشت‌ماه توسط ضدانقلاب روده شده بوده، اما کسی متوجه غیبت اونمی‌شده.»

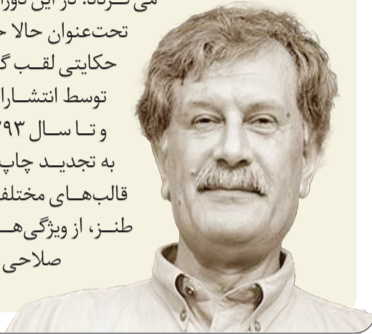
بهر حال بعضی‌ها اینطوری هستند. بی‌سروصدا و بی‌آزار، می‌آیند، حقوق‌شان را می‌گیرند و می‌روند. از آنها در حدیک الولیه پختن هم خاطره‌ای در ذهن‌ها باقی نمی‌ماند.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیری • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میم • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

## چهره

## ملانصرالدین زمان

به او القاب «آقای حکایتی» و «ملانصرالدین زمان» داده بودند. بی‌شک عمران صلاحی، طنزپرداز و فکاهی نویسی برجسته بود که چندسال با نام‌های مستعار ابوقراضه، بلاتکلیف، ابوطیاره، کمال تعجب، مراد حبیبی، آب حوضی و... برای مجله گل آقا مطالب طنز می‌نوشت و آثار ماندگاری در عرصه‌های مختلف از خود به یادگار گذاشت. فعالیت‌های مهم ادبی او را می‌توان به ۴ دسته آثار طنز، کتاب و شعر، مطبوعات و مجله و شرکت در همایش‌های ادبی متعدد داخلی و خارجی تقسیم کرد. بخش عمده‌ای از شهرت او به زمان فعالیت در مجلات روشنفکری آدینه، دنیای سخن و کارنامه باز می‌گردد. در این دوران با نوشتن مطالبی تحت‌عنوان حالا حکایت ماست، آقای حکایتی لقب گرفت. مطالب او بعدها توسط انتشارات مروارید منتشر شد و تا سال ۱۳۹۳ برای چندین بار به تجدید چاپ رسید. استفاده از قالب‌های مختلف نظم و نثر در ارائه طنز، از ویژگی‌های بارز طنز عمران صلاحی است.



## این نولان بی‌رقیب

## اوپنهایم جوایز جشنواره آکادمی فیلم بریتانیا را درو کرد

اولین بار این جایزه را دریافت می‌کرد، هنگام گرفتن جایزه به تشکر از تمام عوامل فیلم «اوپنهایم» رو به نولان کرد و گفت: «از اینکه چیزی را در من دیدی که احتمالاً خودم هم تا به حال ندیده بودم، متشکرم. کریس، از تو برای آن فیلمنامه فوق‌العاده و هیجان‌انگیزت نیز تشکر می‌کنم.» مهم‌ترین رقیب کیلین مورفی در این بخش، پل جیماتی؛ بازیگر فیلم «جاماندگان» بود و حالا باید منتظر ماند و دید در مراسم اسکار که حدود سه هفته دیگر برگزار می‌شود، کدام‌یک از این دو بازیگر، پیروز نهایی این رقابت ماراژن گونه می‌شوند.

## محمدامین شکاری

روزنامه‌نگار



جوایز آکادمی فیلم بریتانیا که با عنوان جوایز سینمایی بفتا شناخته می‌شود، قدمتی نزدیک به ۷۵ سال دارد. اولین بار سال ۱۹۴۷ آکادمی هنرهای فیلم و تلویزیون بریتانیا به‌وسیله چهره‌های مهم و سرشناس سینمای این کشور از جمله دیوید لین، کارول رید، چارلز لاتن، لانس اولیویه، مایکل پاول و تعدادی دیگر از شخصیت‌های مهم سینمای بریتانیا شکل گرفت. اولین دوره جوایز سال ۱۹۴۹ به‌منظور تجلیل از بهترین فیلم‌های به نمایش درآمده در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ در بریتانیا برگزار شد و جوایز بخش رقابتی آن دوره تنها در دو بخش بهترین فیلم بریتانیایی و بهترین فیلم (هرگونه فیلمی را شامل می‌شد) چه آنهایی که در بریتانیا ساخته شده بودند و چه فیلم‌های تولیدشده در خارج از بریتانیا، اهدا شد و البته یک جایزه افتخاری بهترین مستند نیز در این رویداد به فیلم برگزیده رسید. «بهترین سال‌های زندگی ما» (۱۹۴۶) ساخته تحسین برانگیز ویلیام وایلر، جایزه بهترین فیلم اولین دوره بفتا را کسب کرد و فیلم نوار «مرد ناجور» (۱۹۴۷) ساخته کارول رید هم توانست جایزه بهترین فیلم بریتانیایی را دریافت کند. بر خلاف جایزه بهترین فیلم که تا به امروز بدون وقفه در این رویداد اهدا شده است، جایزه بهترین فیلم بریتانیایی تا سال ۱۹۶۸ در جوایز بفتا وجود داشت که بعد از آن به دلیل تغییر ساختار برای سال‌ها این جایزه برچیده شد تا اینکه سال ۱۹۹۲ دوباره به این رویداد برگشت. طی این ۷۵ سال در دوره‌های مختلف جوایز گوناگونی به بفتا اضافه و بعضاً کم شده است. اما می‌توان گفت شکل و شمایل امروزی رویداد بفتا از سال ۱۹۶۸ به‌وجود آمد. تا قبل از این دوره، جوایز به دو دسته بریتانیایی و خارجی تقسیم شده بود.

## وقتی اشک مردم درآمد

مهم‌ترین لحظه موفقیت فیلم «اوپنهایم»، لحظه پایانی مراسم و اهدای جایزه بهترین فیلم بود. البته که لحظه اهدای این جایزه کمی خاص بود و همه زیبایی آن به نولان و فیلمش تعلق نداشت. یکشنبه شب کسی که جایزه بهترین فیلم را به نولان و اعنای فیلمش تقدیم کرد، به مرکز توجه رسانه‌ها تبدیل شد. مایکل جی فاکس؛ ستاره ۶۲ ساله فیلم «بارگشت به آینده» که نزدیک به ۳۰ سال است با بیماری پارکینسون دست به گریبان است، با یک حضور غافلگیرکننده در مراسم، بخش پایانی این رویداد را از آن خود کرد. مایکل جی فاکس که با صندلی چرخدار روی صحنه آمده بود، اصرار کرد که بایستد و در این حالت جایزه را به نولان اهدا کند و همین عمل او با تشویق ایستاده حضار همراه شد. بسیاری از کاربرها در شبکه‌های اجتماعی نوشتند که با دیدن این لحظه، اشک ریختند. فیلم مستند زندگی این بازیگر نیز با عنوان «هنوز: یک فیلم مایکل جی فاکس»، نامزد جایزه بهترین مستند شده بود که البته این جایزه را به مستند اوکراینی «۲۰ روز در ماریوپل» واگذار کرد.

## بار بنهایم به انتها نزدیک می‌شود

موفقیت فیلم نولان در حالی رقم خورد که «باربی»، رقیب و رفیق اصلی «اوپنهایم»، در گیشه تابستان هم در این رویداد با نامزدی در ۵ بخش حضور داشت با این حال این فیلم پر فروش سال ۲۰۲۳ مراسم را بدون دریافت حتی یک جایزه به پایان رساند. این نامزدی در حالی رقم خورد که همه چهره‌های مهم «باربی» از جمله رایان گاسلینگ، مارگروبی و گرتا گوئیگ در مراسم حضور داشتند و فقط برنده‌ها را تشویق می‌کردند. به نظر می‌رسد عوامل «باربی» باید در آخرین جدال موسوم به «باربنهایم»، در مراسم اسکار سه هفته آینده، اتفاقی مشابه بفتا را به انتظار بنشینند.

## «بیچارگان» چندان هم بیچاره نیستند!

اگر چه همه‌چیز هفتادو هفتمین دوره بفتا شب «اوپنهایم» بود، با این حال نمی‌توان موفقیت غیرقابل پیش‌بینی «بیچارگان» لانتیموس را نادیده گرفت. «بیچارگان»، به بخش‌کنندگی سرچ‌لایت، از ۱۱ نامزدی جایزه بفتای خود توانست ۵ جایزه از جمله بهترین بازیگر نقش اول زن برای «اما استون»، بهترین طراحی لباس، طراحی صحنه، گریم و جلوه‌های ویژه را دریافت کند. «اما استون»، بازیگر آمریکایی که با کمک یک مربی لهجه، نقش یک شخصیت بریتانیایی را در فیلم لانتیموس بازی کرده است، در هنگام دریافت جایزه از مردم انگلستان برای پذیرفتن خودتشکر کرد. او همچنین از مادرش که همیشه او را در انجام ایده‌های دیوانه‌وار همراهی کرده است نیز قدردانی کرد.

## بفتایی به رنگ اسکار

جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان این دوره بفتا نیز به فیلم «منطقه مورد علاقه»، ساخته جانان گلینز انگلیسی‌زبان، این فیلم که به زبان‌های آلمانی، لهستانی و ییدیش ساخته شده، درباره اردوگاه مرگ آشویتس است و گلینز آن را بعد از سال‌ها غیبت ساخته است. «منطقه مورد علاقه» در رویداد بفتای اسکار در ۱۱ بخش نامزد بود که در نهایت سه جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان، بهترین صدا و بهترین فیلم محصول بریتانیا را دریافت کرد.

جایزه بهترین انیمیشن این رویداد نیز همانطور که انتظار می‌رفت به جدیدترین ساخته استاد انیمه ژاپنی هایائو میازاکی رسید. میازاکی با انیمه «پسر و مرغ ماهی خوار» همچون دیگر جوایز مهم سال، برنده بهترین انیمیشن شد. جایزه بهترین مستند نیز همانطور که در بالا اشاره شد، به مستند اوکراینی «۲۰ روز در ماریوپل» رسید. مستی‌سلاو چرنوف، کارگردان این مستند، در هنگام دریافت جایزه‌اش به وضعیت امروز اوکراین گریزی زد و با تازاحتی گفت: «تنها تسلی برای من این است که صدای اوکراینی‌ها باشم. ما به صورت مداوم آنچه را که در آنجا اتفاق می‌افتد، به جهان یادآوری می‌شویم.»

## کتابخانه

## تغییری که از ایتالیا آغاز شد

کتاب «رنسانس ایتالیا»، نوشته کارن اسمن، با ترجمه مهدی حقیقت‌خواه در ۱۳۶ صفحه و با قیمت ۱۳۰ هزار تومان توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است. در معرفی این کتاب آمده است: «مردم به رنسانس فکر می‌کنند، به یاد نمازخانه سیستین میکلائو (میکلانجو)، مونالیزای لئوناردو داوینچی و تعداد زیادی نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و ساختمان‌های عظیم دیگری می‌افتند که در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم در ایتالیا آفریده شد. گرچه این هنرمندان بزرگ و آثارشان بدراستی مظهر اوج این عصر هستند، اما رنسانس صرفاً انقلاب هنری نبود. در طول



## رنسانس ایتالیا

نویسنده:

کارن اسمن

مترجم:

مهدی حقیقت‌خواه

انتشارات: ققنوس

## تاریخ

## امضای عهدنامه ترکمانچای



پیمان‌نامه ترکمانچای، یکم اسفندماه ۱۲۰۶ خورشیدی (۲۱ فوریه ۱۸۲۸ میلادی)، در پی جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار، بین این دو کشور در روستای ترکمانچای از توابع شهرستان

میانه امضاء شد. در سال ۱۸۰۳ نخستین دوره جنگ‌های ایران و روسیه آغاز شد که ۱۰ سال ادامه یافت و به شکست ایران و عقد عهدنامه گلستان انجامید. اقدامات سیاسی ایران برای پس گرفتن مناطق اشغال‌شده طی سال‌های پس از انعقاد این قرارداد، نتیجه ماند و در پی دادخواهی مرزنشینان مسلمان و غیرمسلمان از علما، سیدمحمد طباطبایی اصفهانی و ملااحمد نراقی بر ترک مصالحه و مدارا با دولت روسیه تأکید کردند. با بی‌اثر ماندن تلاش‌های آشتی‌جویانه، ایران و روسیه دور دوم نبردهای خود را آغاز کردند که این بار نیز با شکست ایران به اتمام رسید و عهدنامه ترکمانچای در دو بخش سیاسی و بازرگانی، به ترتیب در ۱۶ و ۹ ماده تنظیم شد که هرکدام شرایط سنگینی را به مردم و حکومت ایران تحمیل می‌کرد و به روس‌ها امتیازاتی می‌داد که تا آن زمان سابقه نداشت.